

تاریخ جهانی (۲)

اقبال نظرگاهی

eqballn@hotmail.com

جنبش کمونیسم کارگری

کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر ، انسانی و مرفه است . جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر بر میخیزد و آفرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند ۱.

جنبش کمونیسم کارگری جهانی ، ماکزیمالیست و مدرن است . این جنبش به جغرافیایی محصور نمیشود. محدود به دنیای صنعتی و یا عقب نگه داشته شده نیست متعلق به جنبش ملی نیست . جنبشی برای دموکراسی و پارلمنتاریسم نیست . از جنس جنبش ضد استعماری قرن بیست نیست . جنبشی برای تشکیل دولت خودمان و سازماندهی اقتصادی ملی نیست . جنبشی برای حفظ فرهنگ و سنن مردمی نیست . فرقه گرا و قوم گرا ، ثروت و دولت و خدا پرست نیست این جنبشی برای سوسیالیسم است . اساس سوسیالیسم انسان است . سوسیالیسم بازگشت اختیار به انسان است . جنبش کمونیسم کارگری ، جنبش انسان معترضی است که تصمیم و اراده ایجاد یک دنیای انسانی را در دستور کار روزانه خود قرار داده است . این جنبش در طول تاریخ خود نه فقط مورد هجوم همه جانبه بورژوازی بوده است بلکه کارا مورد بهره برداری طبقه استثمارگر در راستای اهداف بورژوازی قرار گرفته است .

تصویر جهان امروز را بورژوازی رسم میکند در حالیکه اساس این جهان بر دوش طبقه کارگر است . سرمایه محصول کار کارگر است . قدرت ، نفوذ و راز بقای سرمایه در دست طبقه کارگر است . جهانی شدن سرمایه قبل از هر چیز بر پایه وجود یک طبقه جهانی ، طبقه کارگر است . گلوبالیزاسیون تحقق پیدا نمی کرد و نمیکند مگر آنکه یک عرصه جهانی از نیروی کار ، بازار مصرف و فروش و فعل و انفعال سود آوردر اختیار باشد . این پدیده به ظاهر اقتصادی در جهت توسعه سرمایه داری وارد عرصه های دیگر زندگی بشر شده و با پراتیکی فعال و جهانی در ظرفیت تعیین کننده و کنشگر وقایع و رویدادها قرار گرفته و در برابر جنبش ما قرار میگیرد .

تمام انسانهای مزد بگیر ، تمام انسانهای برابری طلب ، آزادیخواه ، هر کس که خواهان زندگی انسانی باشد در واقع و بناچار رو در روی نظام سرمایه داری و متعلق به جنبش کمونیسم کارگری هستند. لغو مالکیت خصوصی و برابری همه جانبه انسانها ، اینکه کودکان در اولویتند و طبیعت را سالم نگذاریم ،

آزادی و رفاه و خوشبختی همه گانی خواستن ، مبارزه با تروریسم و موادمخدر و دین وایدز . عرصه هایی هستند که انسان در آن در برابر نظام سرمایه داری قرار میگیرد و در صف جنبش کمونیسم کارگری ، حتی اگر ما خود چنین انتخابی را نکرده باشیم . اما الزاما هر مخالف سرمایه داری در این جنبش سهم نیست ، آلترناتیو بازگشت به ماقبل سرمایه داری بی شک یک زوزه سوپر ارتجاعی است که از سوی ادیان مختلف نمایندگی میشود . جنبش کمونیسم کارگری ، جنبش اعتراض اجتماعی علیه نظام سرمایه داری بوده و خواستار مدرنیسم و رفاه و سعادت این جهانی است . با پرچم آزادی و برابری .

افق آزادیخواهی اجتماعی این جنبش حد و مرزی ندارد نه مشروط به جغرافیای سیاسی و انسانی است و نه مشروط به این دین و آن عقیده و بهمان فرهنگ نه محدود به موقعیت و منسب کسی است و نه هر امر مقدسی . آزادی انسان ایستگاه و مرزی ندارد . فرد آزاد است که خود را بعنوان فرد با هر یک از این داده ها تعریف کند . آزادیهای فردی انسانها میتواند در قوانین میان خود انسانها تعریف و تنظیم شوند .

افق برابری طلبی این جنبش اگرچه مطلق نیست اما محدود به امر خاصی نیست . برابریهای اقتصادی و اجتماعی ، فرهنگی و حقوقی انسانها نه مطلق و جامد است و نه مرز و چهارچوب معینی دارد . اینها افقها و آرمانهای جنبشی است که در راه واژگونی دنیای موجود ، دنیای ضد انسانی بورژوازی ، عرصه ها و مصافهای بزرگی را پشت سر گذاشته و پر توان در کار است .

در برابر این جنبش (یک غول خفته) بورژوازی قرار دارد. اقلیتی که طی دو صد سال گذشته علیرغم شکستها و کتکهای فراوانی که از جنبش ما خورده است ، توانسته است با سازمان دادن دولتها ، ارتشها ، پلیس و اطلاعات و جاسوسی ، تبلیغات وسیع و فریب و نیرنگ تاکنون در موقعیت استثمارگری خود بماند . کشمکش این دو اردوگاه متخاصم تصویر عینی تاریخ جهانی است .

تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشأ و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی ، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه ، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند . مهر این صفتبندی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند ۲ تفاوت جنبش کمونیسم کارگری با سایر جنبشها و احزاب کارگری در اینست که اولاً ، در مبارزه طبقاتی در هر کشور ، پرچم وحدت و منافع مشترک کارگران سراسر جهان را بر می افرازد و ثانیاً ، در مراحل وجبهه های مختلف مبارزه طبقه کارگر ، مصالح کل جنبش طبقه کارگر را نمایندگی میکند ۳.

جنبش برای ایجاد یک دنیای بهتر ، جنبشی در طول تاریخ بشر بوده است که انسانها مداوما در کار ساختن جامعه ای بهتر وزندگی مرفه وخوشبختی عمومی بوده اند. دستاوردهای بیشمار این جنبش اغلب نصیب حاکمان گشته است . نظر به طبقاتی بودن جامعه بشری در طول تاریخ همواره طبقه استثمارگر تصاحب کننده این ثروت و رفاه بوده واکثريت انسانها از تولید خودشان محروم بوده اند. دو صد سال پیش این جنبش وارد عرصه تازه ای شد . با انقلاب صنعتی و شکل گیری نظام سرمایه داری استثمار انسان هم شکل جدیدی بخود گرفت . جنبش سوسیالیستی آن دوره با آمدن مارکس تئوری رهایی و پرچم مانیفست را بدست گرفت . جنبش هم در هیئتی تازه در هیئت کمونیسیم کارگری وارد این کارزار قدیمی شد . جنبش کمونیستی کارگری قیامها و انقلابات متعددی از خود در برابر نظام سرمایه داری بروز داد که کمون ۱۸۷۱ و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دو نمونه برجسته آن بودند .تعرض نظامی و سیاسی ، اقتصادی و تبلیغی به شوروی سرانجام این انقلاب کارگری را در اواخر دهه دوم قرن بیست به شکست کشاند این شکستی برای جنبش کمونیسیم کارگری در سطح جهان بود این جنبش را برای ده ها سال در انزوا و اقلیت و بی عملی و تیرگی قرار داد تا اینکه در انتهای دهه هشتاد و اوائل دهه نود با فروپاشی شوروی وبلوک شرق دو روند در کنار هم عرض اندام کردند اول آنکه در اردوگاه بورژوازی جشن پایان کمونیسیم و پایان تاریخ گرفته شد و در حالیکه سرود بازار آزاد را به کمک ژورنالیستها و آکادمیسین هایشان سر داده بودند روند دوم تکان خورد این جنبش کمونیسیم کارگری بود که از زیر آوار سقوط شوروی سر بلند کرد که اگرچه اکنون مورد هجوم تازه ای از سوی بورژوازی قرار داشت اما از فضای آزاد شده ، بعد از سقوط سرمایه داری دولتی عرصه را مناسبتر و موقعیت را روشن میدید. اما به یک خود باوری و خودآگاهی نیاز داشت ، چیزی مثل بازگشت به مارکس و مانیفست . نیاز واقعی به اینکه مارکس برگردد و بار دیگر پرچم رهایی بشر را به دست طبقه کارگر دهد و جهان متمدن را دور این پرچم به برچیدن نظام سرمایه داری فرا خواند ، نیازی ضروری بود . این نیاز زمانه را منصور حکمت پاسخ گفت . او پرچم یک دنیای بهتر را بدست جنبش کمونیسیم کارگری داد ورفت . منصور حکمت گفت : "نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است ." این مصائب ، دنیای سیاهی است که نظام سرمایه داری برای میلیاردها انسان تدارک دیده است . از فقر و گرسنگی و بی آبی تا خود کشی جوانان و تن فروشی زنان ، از فروش اعضای بدن کودکان تا برده گی مزدی ، از ایدز تا مواد مخدر ، از دین و شکنجه تا اعدام و ترور ، شرایط انسان امروز را تحت

حاکمیت بورژوازی را تعریف میکنند . این دنیای وارنه را جنبش کمونیسم کارگری دارد بر قاعده خود
مینشانند . یک دنیای بهتر ساخته میشود . طلوعه های آن در جنبش زنان ، جوانان ، کارگران و در
احزاب کمونیست کارگری در سطح جهان نمایان است .

زنده باد جنبش کمونیسم کارگری

چهارده دسامبر ۲۰۰۲

۱ ، ۲ ، ۳ – منصور حکمت